

دعا برای بابا

وقتی که شب‌هایم رود او
آرام و با خنده سرکار
آهسته می‌گویم خدا جان
اورا خودت سالم نگه دار

ای کاش اصلاً هیچ جایی
روی زمین آتش نگیرد
ای کاش هیچ آتش نشانی
در شعله‌ی آتش نمیرد

گرما و دود و شعله‌ی داغ
آتش نشانی شغل سختی ست
اما نمی‌دانم چرا ترس
توی دل بابای من نیست

بابای من آتش نشان است
او بهترین بابای دنیا ست
هر جای شهر آتش بگیرد
بابای خیلی خوبم آنجا ست

